

## بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم هجری قمری / سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقش)\*

فریناز فربود<sup>\*\*</sup><sup>۱</sup>، دکتر محمد خزایی<sup>۲</sup>، دکتر زهرا هنورد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> استاد گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۴/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۵/۵)

**چکیده:**

پیرامون نحوه و میزان تأثیرگذاری هنر نساجی ایران بر اروپا، نظریات گوناگونی از سوی پژوهشگران ابراز شده است. در بسیاری پژوهش‌ها تأثیر صنعت نساجی دوره ساسانی بر نقوش منسوجات امپراطوری بیزانس و بسط یافتن آنها در اروپا از همان راه به اثبات رسیده است. با این وجود درباره تأثیرات هنر دوره اسلامی ایران بر اروپا اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و بسیاری عقیده دارند که تأثیرات نساجی ایران بر اروپا از حد نقوش دوره ساسانی فراتر نمی‌رود. این مقاله با روش تطبیقی و با هدف جستجوی این تأثیرپذیری در زمینه نقوش، مضامین و ترکیب‌بندی نشان داده است، با وجود سیطره طولانی مدت نقوش ساسانی بر طراحی نقوش منسوجات ایران و اروپا، در دوره ایلخانی ایران، به‌واسطه تغییر ارتباطات و مناسبات تجاری سرزمین‌های غربی ممالک اسلامی و اروپا، به‌ویژه ایتالیا (که در این دوره دروازه تجارت منسوجات، میان شرق و اروپا محسوب می‌شود) منسوجات ایتالیایی در این دوره (از اواسط قرن سیزدهم میلادی تا قبل از طلوع رنسانس) از سیک اولیه خود، یعنی دوره بافت ابربیشم‌های سیسیل منشعب از هنر ساسانی و اسلامی مصر فاصله گرفته و تحت تأثیر پارچه‌های وارداتی از ایران تحت سیطره ایلخانان قرار گرفته‌اند و این تأثیرپذیری تا طلوع رنسانس حفظ شده است.

**واژه‌های کلیدی:**

ایران دوره ایلخانی، ایتالیایی قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی، منسوجات ابریشمی، نقش.

\* مقاله حاضر برگفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان [بررسی پیامدها و تأثیرات انقلاب صنعتی اروپا بر هنر- صنعت نساجی ایران دوران قاجار از منظر طراحی نقش] می‌باشد.

\*\* نویسنده مسئول: تلفن / نمابر: +۹۰۰۸۸۱۲۱؛ E-mail: Farinaz.Farbod@gmail.com

## مقدمه

بررسی مناسبات تجاری میان ایران و ممالک اسلامی با اروپا، به ویژه ایتالیا، در قرون اولیه اسلامی، معادل با سده‌های میانه اروپا تا انتهای دوره ایران ایلخانی، پردازد. هدف از آن ارایه بستر تاریخی، بررسی تغییرات رویداده در سیاست خارجی این کشورها و تشریح روابط تجاری ایتالیا و سرزمین‌های اسلامی غربی و ایلخانان است.

در مرحله دوم با مبدأ قرار دادن دو دوره ایلخانی ایران، در حدفاصل ۶۵۰ تا ۷۲۶ هـ.ق. (۱۲۵۱-۱۲۳۵ م.) و دوره هم‌زمان در ایتالیا، سعی بر بررسی تطبیقی نحوه تأثیرپذیری منسوجات ایتالیایی از منسوجات ایرانی هم‌دوره خود بوده است.

به منظور درک ویژگی‌های خاص منسوجات این دوره، در ایران بررسی اجمالی منسوجات ایلخانی و تمایز آنها در زمینه نقش، مضامین و ترکیب‌بندی با دوره‌های آل بویه و سلجوقی و در ایتالیانیز به بررسی دوره دوم بافت ابریشم ایتالیا و تمایز آن با دوره آغازین بافت ابریشم در اروپا، در پالرمو و سیسیل، پرداخته شده است. از آنجا که این دوره طراحی پارچه اروپا تنها با رنسانس متحول می‌گردد؛ تمامی دوره میانه قرن سیزدهم تا طلوع رنسانس مورد توجه قرار گرفته تا تأثیر نساجی ایلخانی بر آثار پس از خود نیز بررسی گردد.

در انتها منسوجات مذکور از بُعد نقش‌مایه‌ها و مضامین و ترکیب‌بندی گوناگون مورد بررسی و تحلیل تطبیقی قرار گرفته‌اند تا مؤلفه‌های تأثیرپذیری هنر نساجی ایتالیا از ایران ایلخانی مشخص گردد.

بنیاد بررسی مقاله حاضر بر پیش فرض یافته شده از سوی دیگر پژوهشگران مبنی بر تأثیرپذیری نقش نساجی اروپا از هنر نساجی ایران دوران ساسانی نهاده شده است. در این پژوهش‌ها دلایل متعددی در مورد تأثیرگذاری هنر نساجی ایران بر بیزانس آورده شده که به اجمال می‌توان به آوازه منسوجات ایرانی در دیگر ممالک، سفرهای هنگام صلح و تبادل هدایا میان امپراطوری‌ها، (کورز و یارشاطر، ۱۳۸۰، ۶۸۹-۶۷۳)، نقش ایران در تجارت ابریشم خام و بافت و تأثیرپذیری شدید مراکز طراحی منسوجات روم در سوریه و شهر انطاکیه از بافت‌های ایرانی (گیرشمن، ۱۳۵۰، ۲۲۶) و جنگ‌ها که طی آن منسوجات و به ویژه ابریشم جزو غنایم بسیار مهم جنگی تلقی می‌شد (Pope, 1960, 691) و از دیگر سو، تحولاتی از قبیل سختگیری‌های مذهبی در ایران و مهاجرت مسیحیان به کنستانتینوپول و رواج استفاده از منسوجات در مناسک مذهبی، تزیین کلیساها، دیوارپوش‌ها و کفن مردگان و پدید آمدن جنبش شمايل‌شکنان که با منع بازنمایی قدیسان موجب توجه به نقش گیاهی و جانوری موجود در پارچه‌های ساسانی گردید؛ اشاره نمود. تداوم هنر نساجی ساسانی پس از ظهور اسلام و بسط روابط اعراب و اروپا موجب زنده ماندن این هنر گردید. با قطعیت می‌توان گفت که نقش پارچه‌ها، مضامین و شیوه‌های ترکیب‌بندی نقش بیزانس متاثر از ساسانی و تداوم این ترکیب‌بندی‌ها تا اواسط سده‌های میانه می‌لادی نیز ادامه داشته است (فریود و پورجعفر، ۱۳۸۶، ۷۴).

با توجه به این پیشینه، مقاله حاضر قصد دارد در مرحله اول، به

## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتوال جامع علوم انسانی

ایران عصر ایلخانان

اشتغال در دستگاه ایلخانان موجب آشنایی آنان با اسلام و رسوم ایرانی شد (بنی‌احمد، ۱۳۴۶، ۱۲۰). پس از مرگ هلاکو و در دوره آیاچاخان تغییری در سیاست مغولان روی نداد، اما در زمان تکوادر که اولین ایلخانی بود که اسلام را پذیرفت؛ تلاشی برای برقراری ارتباط با بقیه جهان اسلام صورت گرفت (پیگلوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ۳۵۲-۳۵۳). اما اعقاب او ارغون‌خان و گیخاتو راه وی را ادامه ندادند.

در سال ۶۹۵ هـ.ق / ۱۲۹۵ م. غازان‌خان اسلام آورد و به مأموران عالی‌مقام و روحانیان نزدیک شد. او اصلاحات بسیاری به عمل آورد و اسلام بار دیگر دین رسمی حکومت گردید و دوران پیشرفت سریع اقتصادی، ناشی از اصلاحات غازان آغاز شد (پتروشفسکی، شمس‌الدین محمد (صاحب دیوان جوینی) نام برد. خاندان جوینی با

ایلخانان مغول از ۶۵۰ هـ.ق / ۱۲۵۱ م. تا ۷۲۶ هـ.ق / ۱۲۳۵ م. بر ایران حکومت نمودند. نخستین تهاجم مغول در سال ۶۱۶ هـ.ق / ۱۲۲۰ م. بخش‌های شمالی ایران را تحت سلطه در آورد. اوگتای جانشین چنگیز خان، فتح ایران را کامل نمود (شراتو، گروبه، ۱۳۸۴، ۳). منگو قآن، نوه چنگیز و خان بزرگ مغولان در چین، سال ۶۵۱ هـ.ق / ۱۲۵۲ م. برادر خود هلاکورا با سپاهی برای سرکوبی اسماعیلیه و عباسیان روانه گرد.

در سال ۶۵۶ هـ.ق / ۱۲۵۸ م. بافتح بغداد، دوره استقرار رسمی مغولان در ایران شروع شد و هلاکو لقب اولین ایلخان<sup>۱</sup> را دریافت نمود (بلو بلوم، ۱۳۸۱، ۱۲۸۱) او افراد مورد نیاز خود را با سیاست مدارای مذهبی جذب می‌کرد؛ که از جمله این افراد، می‌توان از خواجه شمس‌الدین محمد (صاحب دیوان جوینی) نام برد. خاندان جوینی با

شهرهای شمالی ایتالیا، تجارت و دارایی آنها افزایش یافت. با شیوع طاعون، این رشد کاهش یافت؛ اما در قرن چهاردهم بار دیگر به رشد اقتصادی خود ادامه دادند و فصلی جدید در تاریخ ایتالیا گشودند. در نیمة دوم قرن ۱۴ و قرن ۱۵ م. فرهنگ ایتالیا به واسطه رنسانس دگرگون شد (Lambert, 2002).

### مناسبات سیاسی و تجاری میان ممالک اسلامی و اروپا، باتأکید بر ایران و ایتالیا

یکی از ویژگی‌های دوره مغول شکوفایی روابط میان اروپا و ایران بود. ارتباط میان دربارهای مغول و ممالک غربی افزایش یافت و آنها با پیشنهاد مساعدت به اروپا در مقابل با مملوکیان، سفرایی را به دربارهای اروپایی فرستادند. در این زمان تولیدات و مصنوعات شرقی از ایران به اروپا راه یافت.

ارتباط میان آسیا و اروپا از طریق دو مسیر عمده دریایی و خشکی صورت می‌گرفت. مسیر دریایی از مدیترانه می‌گذشت و تحت تسلط و کنترل اعراب بود. آنها جریان تبادل تولیدات و انتقال ابریشم و مواد خام را ممکن می‌ساختند. از قرن ۸ میلادی به بعد نیز، فرمانداران مسلمان سوریه و مصر، منتهی‌الیه غربی مسیرهای کاروانی دمشق و اسکندریه، ایران، عراق و عربستان، دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس هند را در اختیار داشتند (Mack, 2002, 15).

اولین برخورد میان اروپاییان و مسلمانان، در نتیجه نفوذ نظامی مسلمانان به اروپا روی می‌دهد. حمله عبدالرحمان به اسپانیا و کوردو و تشكیل اسپانیای مسلمان و حضور آنان در جنوب ایتالیا و سیسیل را باید اولین ارتباط میان اسلام و اروپا دانست (دونان و دیگران، ۱۲۸۲، ۳۱۹-۳۱۴). اما جنگ‌های صلیبی ارتباط میان شرق و غرب را دگرگون ساخت و طی آن تأثیر فرهنگی شرق بر غرب آغاز شد. دو سده تماس با شرق، منجر به رسوخ تجمل مشرق زمین در میان صلیبیون شد. گرایش به تقلید از شرق به اندازه‌ای بود که در سال ۱۱۹۰ م. فیلیپ آگوست پادشاه فرانسه مصرف سمور و سقر لاط<sup>۳</sup> را برای نجبا منع و روحانیون دیر سیتو، مصرف ابریشم را در کلیساها خود ممنوع ساختند. اروپاییان در طی جنگ‌های صلیبی اقدام به برپایی مرکز تجاری در تریبولی<sup>۴</sup>، اورشلیم، آلهو<sup>۵</sup> و دمشق نمودند. در این دوره، فعالیت تجاری در دست و نیزیان، جنویایان و پیزایی‌ها بود و به واسطه جنگ‌های صلیبی توانسته بودند با کمک به شهسواران صلیبی درگیر در جنگ و نقل و انتقالات دریایی به برخی امیازات تجاری در بنادر تسخیر شده دست یابند (بولنا، ۱۲۸۳، ۲۶۸).

بازرگانان کاتالونیایی<sup>۶</sup>، نیزی<sup>۷</sup>، جنوایی<sup>۸</sup>، اهل پیزا<sup>۹</sup>، و فرانسویان در شهرهای فتح شده به فعالیت پرداخته و بسیاری از ملل اروپایی، سفرایی را به دربار حکام مسلمان و بنادر مهم می‌فرستادند تا پیرامون روابط تجاری با آنها مذاکره نمایند. نیز مهم‌ترین مرکز تجارت بود و از آنجا انواع ابریشم، ابریشم خام، سرامیک، شیشه، ظروف فلزی و ... وارد اروپا می‌شد. تجارت ابریشم بزرگ ترین و پر رونق‌ترین تجارت بود؛ در نتیجه بسیاری از تاجران مقیم در ممالک

رسید و اصلاحات زیادی در زمینه اقتصادی و اجتماعی انجام داد (پیکولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ۳۷۲).

ایلخان بعدی اولجايتو به واسطه قبول مذهب شیعه به خدابنده ملقب و شهر سلطانیه را بنیان نهاد و با استقرار هنرمندان و صنعتگران، آن را به یک مکان مهم تجاری بدل ساخت.

در دوره پسر او، ابوسعید بهادر، اختلاف بین سران دولت و قتل بسیاری از وزرا و امراء ایرانی موجب تزلزل دولت شد. پس از وفات او سلسله ایلخانی رو به ضعف نهاد و در نهایت، در هـ ۷۵۶ / قـ ۱۳۵۵ م. به طور کامل منقرض گردید (بنی احمد، ۱۲۴۶، ۱۳۴۶).

### ایتالیای قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

ایتالیای پس از سقوط امپراتوری روم، سال‌ها صحنه انتقال قدرت میان روم شرقی و غربی و پس از آن، صحنه رقابت میان پاپ‌ها و فرمانروایان ایالات گوناگون بود و کشوری واحد به شمار نمی‌آمد. در قرون هفتم و هشتم میلادی با تغییر مناسبات میان شارلمانی و پاپ‌ها، برای مدت‌ها او امپراتوری آلمان و ایتالیا را در دست داشت. نیمة دوم قرن دهم میلادی را باید آغاز احیای مجدد ایتالیا و پایان یافتن اغتشاش دوران کارولنژی متأخر دانست (Lambert, 2002). در طول قرن نهم میلادی، بخشی از ایتالیا تحت حمله مجارها و سیسیل در چنگ مسلمانان و حتی رم نیز در معرض تهدید آنها بود. در شمال نیز تنها خانواده‌های لمباردی بودند که تعدادی زمین‌دار در حال رقابت، برای دست یافتن به سرزمین‌های کارولنژی محسوب می‌شدند. قسمت جنوبی شبه جزیره نیز تحت سلطه حکام محلی بود. در طی قرن دهم میلادی، حکومت پاپی در دستان انجمن‌های آریستوکرات‌می افتاد؛ ولی در همین زمان جنا، ونیز و پیزا کوشیدند تا با کمک یکدیگر یک تجارت محلی و بین‌المللی را سرو و سامان دهند. در این دوره که به امپراتوری اتونی مشهور است، نوعی اعتماد نسبت به حکومت اشرافی متعدد پیش آمد و تعداد خانواده‌های نجیب‌زاده به عنوان نتیجه این عمل رو به تزايد گذاشت. این خانواده‌ها باعث وحدت بیشتر ایتالیا شدند. این امر به رونق شهرها و احیای تجارت کمک زیادی نمود. در این دوره، مسأله وحدت ایتالیا نه برای افراد پاپ که برای آبای کلیسا اهمیت یافت (Britannica). در طی قرن یازدهم میلادی، نورمن‌ها کنترل جنوب ایتالیا را به دست گرفتند و در ۱۰۹۱ م. سیسیل را فتح و در قرن ۱۲ م. ایالتی قوی را در جنوب ایتالیا بنیان نهادند. در طی این دوره چندین دولت شهر ظهور نمود و در قرون ۱۱ و ۱۲ م. با رشد تجارت در دریای مدیترانه این کشورها غنی‌تر و مهم‌تر شدند. پاره‌پارگی ایتالیا، جمهوری‌های تجاری پدید آورد؛ ونیز، جنا و پیزا مناطق بی‌طرف و بی‌طرفی آنها بنیان قدرت و نفوذشان بود. با وجود اینکه در قرون ۱۱ و ۱۲ م. نورمن‌ها از بدل شدن این شهرها به مناطق مستقل جلوگیری می‌کردند؛ اما این شهرها بودندکه ایتالیا را به عنوان بخش ماهوی قاره اروپای سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی، در آوردند (دونان و دیگران، ۱۲۸۳، ۳۶۶).

با افزایش جمعیت

بازرگانی با سرزمین‌های مسیحی و اروپایی بود. در این دوره سدّی که مدت‌های طولانی میان ایران، ممالک اسلامی و غرب حاصل بود در هم شکسته شد (لکهارت، ۱۳۸۴، ۱۸۱).<sup>۱۱</sup>

در این میان، خاندان‌های بزرگ مغول، نفع خویش را در حمایت از شرکت‌های بزرگ تجاری مسلمانان به نام [اورتاق] می‌دیدند.<sup>۱۲</sup> اشرافیت فئودال از این شرکت‌ها حمایت و در آنها سرمایه‌گذاری می‌کردند. کار این شرکت‌ها تجارت کلان بین‌المللی و نیز خرید و فروش منسوجات گرانبها بود (پتروفسکی، ۱۳۸۵، ۴۸۲). با وجود ضربه‌های شدید وارد شده بر پیکرهٔ صنعت نساجی و ابریشم‌بافی ایران در ابتدای حمله مغول، آنها به گسترش کارگاه‌های بافت ابریشم در تمامی مملکت خود پرداختند.

آباقاخان پس از جانشینی هلاکو تصمیم به فتح شام و مصر گرفت و از این رو با فرستادن افرادی نزد پاپ کلمان چهارم، از او و جهان مسیحیت تقاضای کمک نمود. اما در همین اثنا، غرب تغییر رویه داده و سیاست جنگ و توسعه ارضی و همراهی با مغولان را کنار گذاشته و راه بازرگانی و دستیابی به بازارهای جهانی را در دستور کار خود قرار داده بود. آنان علیرغم ادامه جنگ‌های صلیبی، برای دستیابی به بازارهای بین‌المللی چندان قصد نداشتند که ممالک قدرتمند مسلمان در مدیترانه و مغولان را برنجانند، بلکه در صدد آن برآمدند تا با ایشان طرح دوستی بریزند و روابط بازرگانی ایجاد کنند. در پی آن، پیگاه‌های تجاری و کلندی‌های بازرگانان خارجی در ایران، به ویژه در آذربایجان که دروازهٔ غرب محسوب می‌شد، تأسیس گردیدند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۰۳-۳۰۰).<sup>۱۳</sup>

در دوران احمد تگودار، به واسطهٔ گرایش او به اسلام، روابط میان مملوکیان و دیگر بخش‌های جهان اسلام و از جملهٔ ایلخانان مغول فزویی یافت و توسط ایلخان تگودار احمد<sup>۱۴</sup>، منسوجات و لباس‌های زربفت گرانبها بیکاری که در تبریز تولید می‌شد، به عنوان هدایای سیاسی برای سلطان مملوکیان فرستاده شد. سبقت بازگشت و فرزندش ارغون توانست توجه جهان مسیحیت را جلب و با ایلخان و دول فرانسه و انگلیس نوعی قرارداد اتحاد ضد مصر و شام منعقد نماید (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۰).<sup>۱۵</sup>

با وجود آغاز بافت ابریشم در ایتالیا، هنوز ابریشم ایران و آسیای مرکزی خواهان فراوانی داشت. بدین ترتیب در حدفاصل ۱۳۰۵ م. تا ۱۳۱۳ م. تجارت ایتالیا از سمت مدیترانه شرقی به سمت دریای سیاه و ایران منتقل شد. تا قبل از تصرف آیاس<sup>۱۶</sup> توسط مملوکیان و جدا نمودن آن از ارمنستان، این شهر مکانی برای انتقال تولیدات تبریز و نواحی خزر و آناتولی شرقی به اروپا بود. در بخش شرقی دریای سیاه، یک بندر تجاری مهم دیگر به نام طرابیزان<sup>۱۷</sup> قرار داشت که بارهای تجارتی تبریز را تا سال ۱۲۴۱ م. به اروپا منتقل می‌ساخت (Mack, 2002, 16-17). در حدود ۱۲۶۰ م. نخستین تجارت‌خانه‌های ایتالیایی در تبریز گشایش یافتند. در ۱۳۳۰ م. و پس از صلح ایلخانان و مملوکیان یک مسیر تجاری میان تبریز و ایتالیا برقرار گردید که از آیاس و آناتولی می‌گذشت

فتح شده به تولید پارچهٔ ابریشمی روی آوردن و به کمک کارگران محلی پارچه‌هایی را با مضامین مسیحی تولید می‌کردند (Mack, 2002, 15).

تا دورهٔ خوارزمشاهیان اطلاع چندانی از ارتباط میان ایران پس از اسلام و اروپا در دست نیست. اما مقارن با حکومت مملوکیان و پس از تسخیر سرزمین خوارزمشاهیان توسط مغولان تحولات مهمی رخ داد. اولین برخورد اروپا و مغولان در دورهٔ تولوی و با هجوم و اشغال بخش‌های جنوبی روسیه تا مجارستان آغاز شد؛ اما اگたی قآن، از ادامهٔ تصرف اروپا منصرف شد. در این دوره پاپ اینوسان چهارم، از دربارهای اروپایی خواست که بجنگ با مغولان بپردازند، ولی غالب رهبران اروپایی قصد داشتند تا در برابر مسلمانان با مغولان همراه شوند (هال، ۱۳۸۴، ۹۷-۱۰۰). مغولان در صدد بودند با تکیه بر اریکهٔ قدرت در بغداد، جهان اسلام را تحت نفوذ خود درآورند و مسیحیان آسیای صغیر و مسیحیان ساکن در دربار قراقوروم نیز آنها را به این مهم تشویق می‌کردند (بیانی، ۱۳۷۹، ۲۸۱). مغولان در دورهٔ هلاکو تا حدود مصر نیز پیش رفتند، اما به دلایل گوناگون از جملهٔ مسایل داخلی و مقاومت‌ها، این امر نهایی نگردید. این امر و اطمینان دادن هلاکو به پاپ کساندر چهاردهم، مبنی بر حمایت از کلیساها قلمرو خود، آنها را به یکدیگر نزدیکتر ساخت. همزمان با این امر، مصر به تحیریک فرمانروایان ایرانی ایالات برای اعلام استقلال می‌پرداخت. مقابلهٔ مغولان موجب کاهش ارتباط میان ایران و دیگر ممالک اسلامی گردید (بیانی، ۱۳۷۹، ۲۹۸-۳۰۱).<sup>۱۸</sup>

مملوکیان پس از به قدرت رسیدن، به گسترش تجارت با ممالک اروپایی پرداختند. در این دوره حکومت‌های بزرگ مسیحی چندان به جنگ‌های صلیبی نمی‌اندیشیدند و روابط تجاری به تدریج رونق می‌گرفت. ونیزی‌ها و جنوایی‌ها قادر تجارتی را در دست داشتند و ونیزی‌ها علیرغم میل پاپ در مصر، کلندی‌هایی را ایجاد کرده بودند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۱-۳۲۰). در این دورهٔ خود جنگ‌های صلیبی و ضدیت‌های سیاسی و مذهبی تحت تأثیر رونق تجارتی موجود به فراموشی سپرده شد. این امر در نهایت موجب شد پاپ نیکلاس چهارم<sup>۱۹</sup> تجارت با سرزمین‌های اسلامی از جملهٔ مملوکیان را ممنوع سازد (Amitai-Preiss, 1995, 103). در این زمان تجارت اروپایی‌ها با مصر و سوریه به‌طور جدی منع می‌شد، اما هیچگاه متوقف نشد. اما با تأکید مجدد پاپ بر تحریم تجارت و منع آن از سوی سنا، برای بیست و پنج سال ارتباط اروپا با سوریه و مصر قطع شد (Mack, 2002, 16). در حدفاصل ۱۲۴۰ م. تا ۱۳۶۰ م. سلطهٔ مغول، فرصت‌های جدیدی را برای تجارت میان شرق و غرب به وجود آورد. در تمامی دورهٔ جنگ‌های صلیبی و مبادلهٔ تجارتی با ملوکیان، حوزهٔ نفوذ تاجران مسیحی از سرزمین‌های اسلامی اشغال شده توسط مسیحیان فراتر نرفت. اما مغول‌ها در مدت زمانی کمتر از یک قرن در چین و مناطق فتح شده، یک شبکهٔ تجارت آسیایی و اروپایی به راه انداختند. شاخصهٔ مهم دوران سلطهٔ مغول‌ها بر ایران، ایجاد مناسبات سیاسی، مذهبی و بسط مناسبات

به بدل شدن آنها به حاملان تغییرات هنری گردید. این امر به حدی پیش رفت که آنها در میان مغولان، تمدن اسلامی و فرهنگ اروپایی معانی و مفاهیم معادلی یافتند. (Mack, 2002, 27)

## منسوجات دوران ایلخانی

به منظور درک ویژگی‌های خاص منسوجات ایلخانی و درک تفاوت‌های آن نسبت به منسوجات پیشین که ضمن نمایش تداوم سنت‌های هنری ایران در منسوجات، ویژگی‌های خاص این دوره را برای بررسی‌های آتی روشن می‌سازد، ابتدا مختصراً از منسوجات پیش از ایلخانی و سپس منسوجات این دوره معرفی شده‌اند.

### منسوجات ایران، پیش از ایلخانان

در قرون اولیه اسلامی علیرغم نوآوری‌هایی در زمینه استفاده از خط در منسوجات<sup>۱۶</sup>، صنعت نساجی دنباله‌روی سنت ساسانی بود.

به سبب پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی در دوران آل بویه (۴۲۰ - ۵۰۵ م.ق.)، صنعت نساجی نیز متتحول شد و سبک خود را پیدا نمود و علاوه بر ادامه نقش ساسانی، استفاده از خط، تمثیل‌ها و کنایات مذهبی و غیر مذهبی، ظهور ترکیب بندی‌های هندسی و گاه بدون کادر و خطی و نیز نقش چند حیوان یا پرنده (به ویژه طاووس و عقاب) رو به سوی مرکز مدل‌لیون معمول شد.

در این میان، سلجوقیان دارای جایگاهی ویژه هستند (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸)؛ در طرح بافت‌ها علاوه بر ادامه یافتن سنت‌های پیشین، استفاده از خط در جداره مدل‌لیون‌های هندسی و چند ضلعی، ترنجی و تزیینات معماری و پیکره‌های حکایتگر داستان‌های مذهبی- اساطیری به طرح بافت‌ها و استفاده از تقارن مرکزی از نوآوری‌های سلجوقیان در طراحی منسوجات محسوب می‌شوند. از دیدگاه ج. الگورو مکداول تزیینات فرعی با تراکم عناصر ریز نقش و ظریف، شاخه‌های طوماری، پیچک‌ها و برگ‌نخلی‌های ملهم از گلنمش‌های چینی پر کننده تمام سطح، از ویژگی‌های این دوره است (مکداول، ۱۳۷۴، ۱۵۸). در منسوجات دوره سلجوقی غالباً تنها دو رنگ وجود دارد (لوند، ۱۳۵۲، ۱۱۲).

### منسوجات ایلخانی

تاریخ اجتماعی و اقتصادی مغول را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم نمود. مهم‌ترین دوره حدفاصل حکومت غازان تا مرگ ابوسعید که در آن تحولات بسیار مهمی در زمینه تولید و بافت منسوجات روی داده است.

اولین این تحولات، رونق دوباره کشاورزی و تولید مواد خام است. برخلاف دیگر رشته‌های کشاورزی در رابطه با منسوجات، پرورش کرم ابریشم در نیمه دوم سده هفتم و

(Griggs, Morgan, 2000, 61) در دوره سلطنت گیخاتو راه‌های بازرگانی میان ایران و اروپا توسط مصر و شام مسدود شد و در نتیجه بازرگانی ایتالیایی یک خط کشتیرانی در دریای خزر ایجاد کردند تا ابریشم مرغوب گیلان را که هنوز منطقه‌ای خارج از کنترل ایلخانان بود به اروپا برسانند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۲-۳۲۳). علیرغم توسعه صنعت ابریشم در ایتالیا، بافتگان لوكا هنوز قادر نبودند منسوجاتی به تنوع و کیفیت پارچه‌های شرقی بیافند و به ذخایر ابریشم خام ناحیه خزر که مرکز فروش آنها برای چندین دهه تبریز و در حدفاصل ۱۳۰۵ م. تا ۱۳۱۲ م. شهر سلطانیه بود، نیز نیاز داشتند. در تجارت با مغول، به واسطه حذف واسطه‌های عرب، سود مال التجاره‌های سبک و قابل حمل از جمله ابریشم از آسیا افزایش یافت. (Mack, 2002, 16)

سازماندهی اقتصادی ایران با غازان آغاز و با ابوسعید پایان می‌یابد. در نتیجه این نگرش، کشاورزی رونق یافت و بازرگانی مورد حمایت قرار گرفت (پتروفسکی، ۱۳۸۵، ۴۶۵).

در دوره پس از غازان، ایران راه ترانزیت بین‌المللی ابریشم را در دست داشت و به لحاظ فرهنگی، اندیشه و هنر بـ اروپا تأثیر بسیار زیادی نهاد و گستره نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش داد (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۴۲-۳۳۸). در این دوره تجار و بازرگانان در تمامی امپراطوری سفر می‌کردند و زبان فارسی زبان مشترک و غالب مسیرهای تجاری منتهی به چین بود (سوداوار، ۱۳۸۰، ۳۰ و ۲۹).

در دوران ابوسعید، ضمن پدید آمدن آرامش نسبی در تمامی مناطق تحت حکومت ایلخانان راه طرابوزان به ارمنستان صغير مورد استفاده بازرگانان ایتالیایی قرار می‌گرفت (بنی‌احمد، ۱۳۴۶، ۱۲۲). پس از مرگ سلطان ابوسعید در ۱۳۲۶ م. تعداد گروه‌های تجاری خارجی فعلی در ایران کاهش یافت (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۵۷).

### بررسی منسوجات ایران ایلخانی و ایتالیا از منظر طراحی نقش

در شرق و غرب، پوشیدن و نمایش منسوجات نفیس و گرانبها، نمایش اقتدار، درجه و نشانگر مقام‌های مذهبی و مرتبت در زندگی دنیوی بود. در رسم بین‌الملل، منسوجات به عنوان غنیمت جنگی و بزرگداشت یک شخص بوده و نقش و رنگ آن در هر فرهنگی، نماینگر معانی درون آن فرهنگ است. در دوران قرون وسطی، تقاضای جهانی برای منسوجات، منجر

بافندگان ماهر هرات و چین با یکدیگر کار می‌کردند و این امر موجب شد که الگوها و تکنیک‌های چینی و اسلامی با غنای بسیار زیادی با یکدیگر ترکیب شوند (Mack, 2002, 35).

در قرون هفتم و هشتم هجری، بر اثر بسط دامنه تجارت ایران با چین و آمدن بافندگان چینی به ایران، تأثیر سبک‌ها و روش‌های آنان افزایش یافت. به این ترتیب در نقش منسوجات ایرانی، موضوعات تزیینی چینی، مانند اژدها، سیمرغ، گل‌های نیلوفر آبی و شقایق، چوب چلپا شکل (فلاوینیا) و ابرهای چینی (تشی) که منسوجات چین در دوره سلسله هان به آن معروف بودند، در پارچه‌های ایران مورد استفاده قرار گرفت.

(محمد حسن، ۱۳۶۳، ۲۳۵) از موضوعاتی که در طراحی منسوجات دوره مغول دیده می‌شود؛ تزیین پارچه با نوارهای متعدد عمودی یا افقی است که معمولاً با خط نوشته و یا خطوط هندسی متقطع و یا با ترکیبی از نقش‌های هندسی پر می‌شد. فیلیس اکرم‌من، از نقوش اردک و سمندر<sup>۱۷</sup> به عنوان یکی از موضوعات مشهور طرح منسوجات این دوره نام می‌برد (اکرم‌من، ۱۳۶۳، ۱۰).

زکی محمد حسن، مهم ترین موضوع های تزیینی که در دوره مغول و تیموریان در منسوجات معمول شده را رسم آرابسک‌ها یا خطوط اسلامی و نیز شکل‌های آجرهای کاشی می‌داند (محمد حسن، ۱۳۶۳، ۲۳۷).

یکی از فرم‌های در دوره مغول استفاده از طرح هندسی حامل نقش انسانی، گیاهی و هندسی است که در دوره سلجوقی نیز مورد استفاده بوده است و بر روی نقش سفالینه‌های این دوران به وضوح قابل مشاهده‌اند (روح‌فر، ۱۲۸۴، ۱۴۶). ویژگی کلی پارچه‌های تاتار (مغولی) طراحی‌های پرنگ، واضح، منحنی، نواردار و دارای سازماندهی‌های متقاضن بسیار پویا است که با اسلامی‌ها و گل‌های طبیعی و حیوانات فانتزی و نوشته‌ها تکمیل شده‌اند.

منسوجات ایرانی دوره ایلخانی، به‌ویژه در انتهای این دوره را می‌توان یک بیان ایرانی شده و ظریف از طراحی‌های متقاضن چینی دانست که در قالب ردیف‌هایی متناوب و با حیوانات سنتی اسلامی و اسلامی‌های گلدار ترکیب شده‌اند (Mack, 2002, 38). که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به پارچه‌ای متعلق به ابوسعید اشاره کرد که دارای حواشی پهن تزیین یافته از شمسه‌های چندگوش است که با نقش طاووسان احاطه شده‌اند و نوار باریکی از نقش‌مایه‌های حیوانات دونده دارد که هر کدام کنار حاشیه‌ای کتیبه‌دار قرار گرفته‌اند. این قطعه به عنوان کفن رودولف، دوک هابسبورگ (فوت، ۱۳۶۵، ۷۶۷) به کار رفته بود. (بیکر، ۱۳۸۵، ۸۸) در این دوره بافندگان از مهارت طراحی خود اطلاع داشتند و می‌توانستند پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین نقشه‌ها را ببافند.

بافت پارچه‌های دوره و اطلس در کمال مهارت انجام می‌شد (الوند، ۱۳۵۲، ۱۱۲).

هشتم هجری، رونق و رواج بیشتری یافت. در این دوره در نواحی خوزستان، گنبد، خراسان و گیلان ابریشم بافی رایج می‌گردد و ایران دوباره به صادر کننده آن بدل می‌گردد (پتروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۷۵ - ۴۷۶).

دومین تغییر در این دوره، متعلق به بازسازی سازمان تولید کالا در امپراطوری مغول است. در سال‌های اخیر و با منتشر شدن آثار موجود در معابد بتت که غالباً هدایای فرمانروایان مغول هستند، اطلاعات جدیدی پیرامون وسعت زیاد مراکز بافت پارچه در امپراطوری مغول به دست آمده است (Mack, 2002, 28). علاقه مغولان به ابریشم و سود حاصل از آن موجب شد تا به سرعت مراکز تولید ابریشم را گسترش دهد. از این‌رو در دوره ایلخانی، مراکز قدیمی ابریشم بافی احیاء و پس از مدتی مراکز جدیدی در شهرهای تبریز، کاشان، یزد، کرمان و شهرهای خراسان، به‌ویژه نیشابور بنیان‌گذارده می‌شود (روح‌فر، ۱۳۸۴، ۱۴۵).

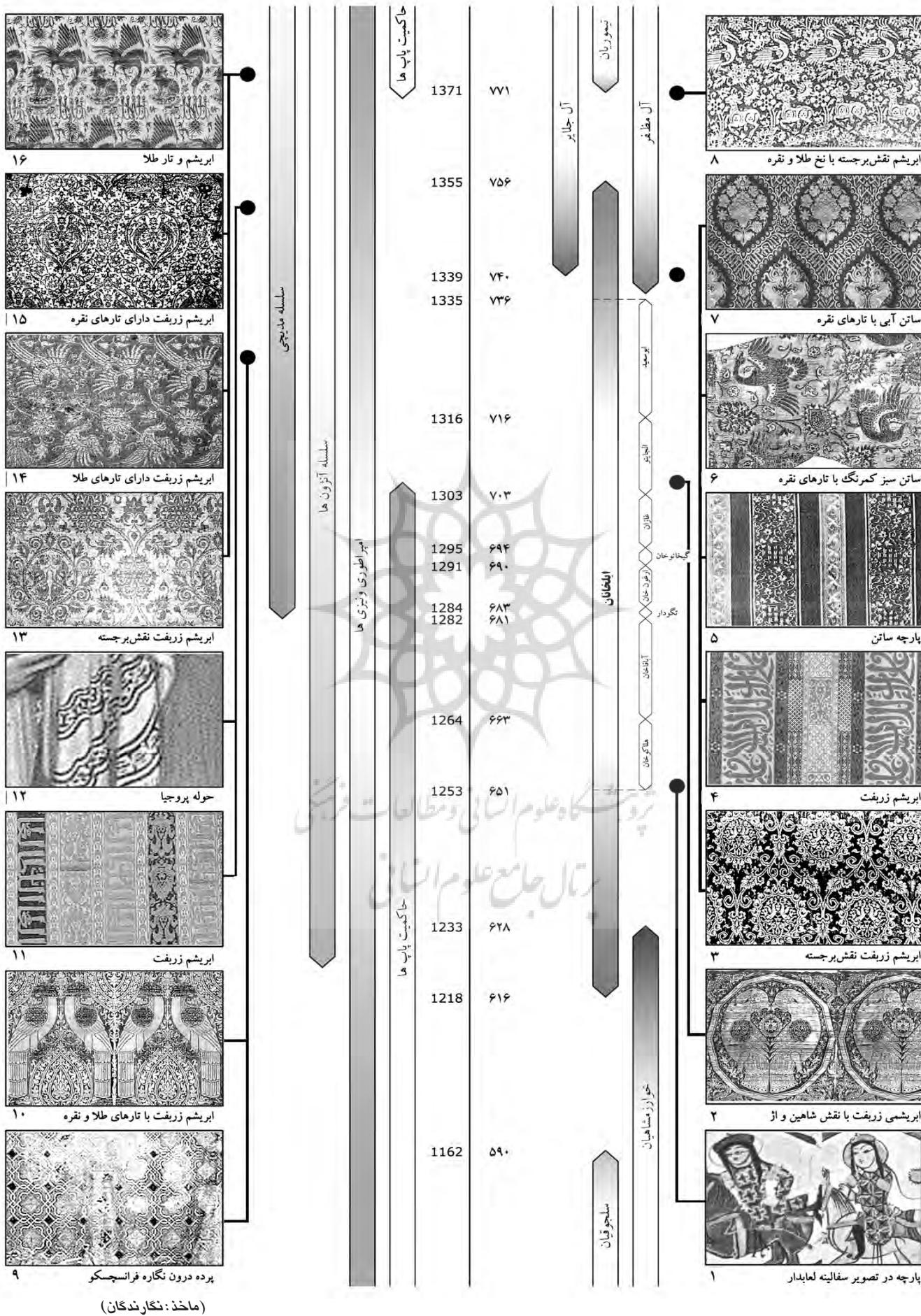
برخی شهرها مانند یزد و کاشان تولیداتی برای بازار بین‌المللی تولید می‌نمودند؛ و برخی شهرها مانند تبریز، مراغه، همدان، قزوین، اصفهان و ... کارهای مربوط به صادرات را انجام می‌دادند. شهرهای بزرگی همچون اصفهان و تبریز یک مرکز بین‌المللی تجاری محسوب می‌شدند.

مارکوپولو در سفر معروفش به تبریز می‌نویسد که در آنجا انواع پارچه‌های ابریشمی و زری نفیس و گرانبها می‌دوzend و بازرگانان لاتین خاصه ژنو، برای خرید کالا به آنجا می‌آیند (سایکس، ۱۳۷۰، ۱۴۶). حتی خود مارکوپولو نیز نوعی پارچه ابریشمی ایرانی راه راه زرین را در نیز رواج داد (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۸۰). در مکاتبات رشید الدین فضل الله، از ابریشم تک رنگ تبریز و مخلعهای رنگارنگ آن، پارچه‌های کتانی کازرون و پارچه‌های ابریشمی کاشان و هرات به عنوان اقلام صادراتی یاد می‌شود (پتروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۸۱ - ۴۸۲). در این دوره در یزد پارچه‌های ابریشمی بافته می‌شده که مورد توجه بازرگانان بود و در کرمان نیز کارگاه‌های ابریشم بافی و پشم بافی دایر بود که بر روی آنها دوخته دوزی طلا و ابریشم انجام می‌شد (میلیونه، ۱۳۶۳، ۵۷). در خراسان و شهرهای هرات و نیشابور، کارگاه‌های متعدد پارچه بافی دایر بود و پارچه‌های بسیار نفیس حریر در نیشابور و شیراز بافته می‌شد (روح‌فر، ۱۳۸۴، ۱۴۶). همچنین یکی از نمونه‌های پارچه‌های رواج یافته در ایران ایلخانی، پارچه‌های نقاشی شده تحت تأثیر هنر چین بود. همچنین تولید نقشی که روی پارچه با قالب یا با موم اجرا می‌شد افزایش یافت (روح‌فر، ۱۳۸۰، ۲۱).

پارچه‌های مغول و ایلخانی، خود محصول یک تبادل بین فرهنگی بودند. مغولان با کوچاندن هنرمندان به دیگر سرزمین‌ها تحولی پدید آوردن. به عنوان مثال در مغولستان،

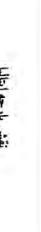
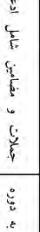
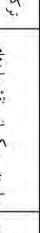
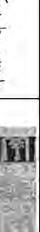
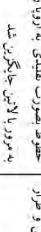
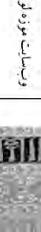
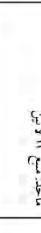
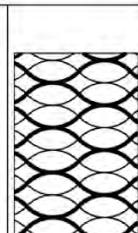
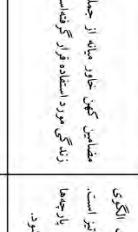
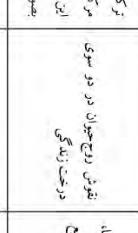
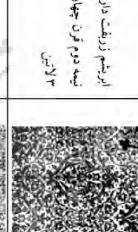
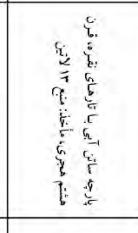
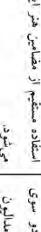
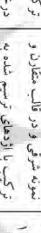
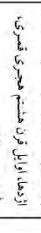
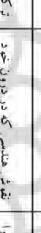
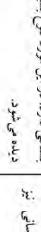
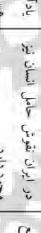
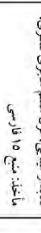
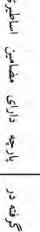
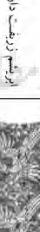
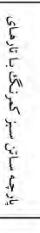
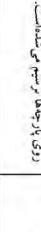
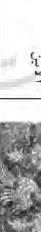
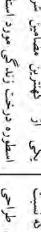
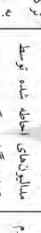
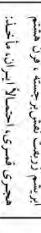
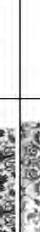
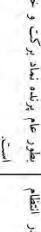
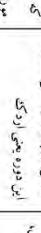
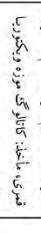
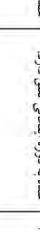
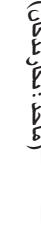
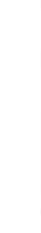
بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره ایلخانی و  
منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم

جدول ۱- نمایش ساختار و تطابق زمانی رویدادهای سیاسی ایران ایلخانی و ایتالیا و منسوجات منتخب برای تحلیل.



(ماخذ: نگارندهان)

جدول ۲- بررسی و تحلیل تطبیقی تقویش متسوجات ایران دوره ایلخانی و راپایی سده سیزدهم و جهاردهم میلادی.

نحوه پاره‌بندی	نحوه تأثیربردی	تصویر	تصویر بازه ایجاد	تصویر بازه ایندیکی	موضع		نحوه تأثیربردی	ووجه تأثیر
					تفصیل	تفصیل		
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			
					ایرانیان ملتهب سنت ملائکا			

اعراب باز پس گرفته بود؛ در ضمن جنگ با مسلمانان با الگو برداری از پادشاهان ایران و سرداران خلیفه، همه کارگران ابریشمکار در منطقه بیزانس و آتن را اسیر نمود و آنها را به سیسیل و پالرمو آورد و بدان‌ها دستور داد برای او کار کنند. این احتمال نیز وجود دارد که در سیسیل که برای مدت‌ها تحت تسخیر مسلمانان بود، بافت ابریشم پیشتر از این نیز رواج داشته و در این دوره تنها نوعان داری رواج و گسترش یافته باشد (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۷۰-۲۶۹). اما مطمئناً اولین کارگاه‌های بافت ابریشم را راجردوم، پادشاه سیسیل<sup>۱۸</sup> (۱۳۰-۵۴) در پلوپونز<sup>۱۹</sup> بربا نموده است. راجر دوم پس از مدتی این بافندگان و پروس دهندگان ابریشم را از یونان به پالرمو آورد و بدین‌ترتیب صنعت ابریشم اروپا را پایه‌گذاری نمود (Lamont, Brown, 1992, 421).

منسوجات، اولین هنر تزیینی ایتالیا بودکه به استانداردهای بالابی دست یافت و با تعقیب مدل‌های شرقی، به بالاترین دوره توسعه خود دست پیدا نمود (Mack, 2002, 27). در ۱۲۹۶ م. نوعان داری در سیسیل رواج داشت و این نوعان داری از لوکا به تمامی شبه جزیره، به ویژه نیز، فلورانس، میلان و بولونیا انتقال یافت. کارگران لوکا که در نتیجه جنگ داخلی از خانه‌هایشان رانده شده بودند، کارگاه‌هایشان را در این شهرها بربا داشتند و از آن پس ایتالیایی‌ها انحصار تجارت ابریشم با فرانسه، آلمان و انگلستان را برای خود حفظ نمودند. تاجران ونیزی و لوکایی ضمن تولید ابریشم، انحصار تجارت آن از خاورمیانه را نیز در انحصار خود داشتند و هر محصولی که از شرق وارد می‌شد، از جمله پارچه‌هایی با نام تاتار (مغولی)، با حفظ نام اصلی مورد تقلید قرار می‌گرفتند (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۸۰-۲۷۹). در نتیجه سیسیل و جنوب ایتالیا نقشی بسیار مهم در زمینه انتقال سنت‌های بافت ابریشم بیزانسی، ایرانی و اسلامی به مراکز تولید شمال ایتالیا داشتند (Mack, 2002, 28).

در میان ابریشم‌های سیسیل، قطعه مشهور ردای تاجگذاری راجر دوم نیز وجود دارد که نقش آن، طرح حمله یک حیوان بر حیوان دیگر در دوسوی درخت زندگی و در حاشیه آن یک متن عربی مبنی بر تاریخ تولید آن نگاشته شده است. بدون شک این ردا از هنر پارچه‌بافی فاطمیان در مصر الهام گرفته و زردی و نقوش اسلیمی و ... به آن هنر تعلق دارد (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸، ۲۵۵). گریشمن عقیده دارد که نقوش مربوط به برخی منسوجات فاطمی به ویژه شنل‌های پادشاهان و اسقف‌های مسیحی آن دوره از منسوجات ایران ساسانی الهام گرفته‌اند (گریشمن، ۱۳۷۰، ۳۱۲). بخشی از کفن هنری ششم، بافت‌های زربفت است که الگویی از ردیف‌های افقی از زوج حیواناتی را دارد که توسط شاخه‌ها و برگ نخلی‌های مربوط به ابریشم‌های اسلامی را نشان می‌دهد (Mack, 2002, 29).

نقش گل اناری، دارای منشأ مشخصی در شرق نیست؛ بسیاری آنرا نتیجه ارتباط میان نقوش چینی و آسیای میانه می‌داند و بسیاری منشأ آن را نقوش ایرانی می‌دانند. اما در منسوجات این دوره ما با تکرار نقوش و ترکیب‌بندی مشابهی در تمامی منسوجات شرقی روپرتو هستیم (Mack, 2002, 38).

در منسوجات دوره ایلخانی ما با تعدد رنگ‌ها روپرتو نیست و غالباً به جای تضاد رنگ یا بافت، تنها تضاد میان زمینه و نقش زربفت وجود دارد (Mack, 2002, 45). به عنوان مثال در میان فهرست اموال پاپ در سال ۱۲۹۵ م. از یک پارچه تاتار از جنس مخلل و دارای نقش مدلیون‌های طلایی نام برد شده است (Mack, 2002, 44).

در حدود ۱۳۰۰ م. پارچه‌های تاتار بر هنر اروپا تأثیر بسیار زیادی نهادند و حتی نفوذ هنری آن بر روی هنر ایتالیایی قرن چهاردهم میلادی، در قالب پیکره‌ها و لباس‌های مغولی دیده می‌شود (Mack, 2002, 18). جدول شماره ۱، تصاویر شماره ۱۲ و ۱۴ در مورد اهمیت و تأثیر پارچه‌های مغولی بر فرهنگ اروپایی این دوره، اشاره به این نکته ضروری است که در سال ۱۲۹۷ م. در لیست هدایای سیاسی ایران به دربار پاپ، فهرستی از پارچه‌های ابریشمی دیده می‌شود و از طرفی گویسکاردو د باستاری، سفیر فلورانسی و صد نفر از همراهان او در جشن ژوپیله ۱۳۰۰ م. در روم با لباس مغولی شرکت نمودند (Mack, 2002, 18).

طرح‌ها و نقوش منسوجات این دوره با استفاده از سیک‌های طراحی چینی، نوعی طبیعت‌گرایی و آزادی در طراحی نقوش و ترکیب‌بندی به چشم می‌خورد. از طرفی در منسوجات ایران دوره ایلخانی، نقوش متداول چینی (ازدها، سیمرغ، ابر چینی و ...) به صورت مستقل و یا تلفیقی با نقوش سنتی ایرانی و خط دیده می‌شود (جدول ۱، تصاویر ۱ تا ۸).

## نساجی ایتالیا در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

در این بخش، از انتظام تاریخی و دوره‌بندی متداول در تاریخ نساجی اروپا برای معرفی استفاده شده است.

### ابریشم سیسیل

در ادبیات اعراب و نوشتار یهودیان از منسوجاتی که در سیسیل و در دروغه تسلط اعراب تولید می‌شده‌اند، سخن رفته است. این امر با فتح فاطمیون مصر در سال ۸۳۷ م. آغاز و تا قرن یازدهم میلادی و تسلط نورمن‌ها بر این منطقه ادامه داشته است (Mack, 2002, 28).

تشخیص ابریشم‌های بافت سیسیل از نمونه‌های اسلامی و بیزانسی کار بسیار دشواری است. راجر دوم، پادشاه سیسیل و پسر راجر اول که در پایان سده یازدهم میلادی، سیسیل را از

پارچه‌های اروپایی می‌گردد و در نیمة قرن چهاردهم میلادی، با ابریشم‌های دارای پیکره‌های انسانی، شکارگران و داستان‌پردازی مذهبی روبرو هستیم (Harris, 1993, 168).

یکی از برداشت‌های اروپاییان از پارچه‌های تاتار، طراحی‌های ظرفی بودکه در آنها گیاهان و حیوانات و گل‌ها با تراکم زیاد در کنار یکدیگر و در تمامی ترکیب‌بندی تکرار می‌شدن.

همچنین در طی قرن چهاردهم، نقش ترنج در ایتالیا فراگیر شد. فرم آن بسیار متفاوت است، اما به طور بنیادی یک نقش متقارن دارای یک نقش مایه‌گیاهی نوکتیز ترنجی شکل یا مالیون بیضی‌شکل است که معمولاً دو حیوان در درون و یا بیرون آن قرار گرفته‌اند (Mack, 2002, 38).

در ایتالیای این دوران، بافت منسوجات محمل دارای نقش متحد الشکل و رنگ‌های متفاوت با شیوه‌ای جدید آغاز می‌شود. ونیز به مرور شروع به تغییر طراحی‌ها و رقابت با پارچه‌های ایرانی می‌نماید، اما جنوا و فلورانس تا میانه قرن پانزدهم به تقلید از نقش ارامه می‌دهند (Mack, 2002, 45). پس از این دوران، به واسطه تغییرات ناشی از رنسانس به تدریج نوعی نگاه ناشی از پرسپکتیو ابداع شده‌در آن روزگار و صحنه‌های واقع گرایانه به طراحی پارچه ونیز راه می‌یابد (Herald, 1982, 70).

با این وجود شیوه‌های ترنج و گل‌اناری در ترکیب‌بندی‌های پارچه‌های ابریشمی ایتالیا در قرون شانزدهم نیز دیده می‌شود. حتی ترکیب کلان گل در برگرفته شده توسط دو حیوان، یاد آورنقوش قرن چهاردهم میلادی و ترکیب‌بندی‌های ایستای نمونه‌های ساسانی است (Harris, 1993, 174-175).

و بسیاری از محققان تنها در این نقش شرقی به نقش اروپایی می‌دانند (Dupont-Auberville, 1989, 17).

به طور کلی می‌توان گفت که به واسطه ارتباط تجاری میان ایتالیا و ایران طراحی و ترکیب‌بندی منسوجات ایتالیا تحت نفوذ ایران بوده است (جدول شماره ۱، تصاویر ۹ تا ۱۶).

هرچند لازم به ذکر است که در این دوره، منسوجات دیگری همچون داماسک و تاپستری نیز در اروپا تولید می‌شد که به واسطه ساختار خود، دارای طرحی متفاوت از منسوجات غیر اروپایی بودند.

## بررسی تطبیقی منسوجات ایران ایلخانی و ایتالیا

به منظور بررسی نحوه تأثیرپذیری نقش موجود در منسوجات ایتالیا از نقش دوره ایلخانی ایران، در این مقاله یک بررسی تطبیقی انجام شده است.

ابتدا نمونه‌ها در یک جدول تواتر زمانی مرتب شده‌اند. جدول شماره یک تنها قصد دارد فضای ذهنی روشنی را برای خواننده پدید آورد و به او اجازه دهد تا دگرگونی‌های سیاسی ذکر شده در زمینه تاریخ و نمونه‌های منسوجات یاد شده در بخش منسوجات را در نوعی ساختار تصویری درک نماید.

در جدول شماره ۲ سعی شده تا ضمن ارایه اطلاعات مربوط به این منسوجات در سه بعد نقش‌مایه‌های مورد استفاده، ترکیب‌بندی و بهره‌برداری از مضماین یکسان مورد مقایسه قرار دهد.

می‌شود. در نقوش پارچه‌های سیسیل به کرات با نقوشی مشابه نمونه‌های موجود در پارچه‌های ایرانی که دارای ترکیب‌بندی مشکل از خطوط موادی که حدفاصل آنها با تصاویر گیاهی و جانوری پر شده است یا نمونه‌های توصیف شده آنها در نسخ خطی روبرو می‌شویم (Dupont-Auberville, 1989, 9).

## ابریشم ایتالیا (۱۳۰۰-۱۵۰۰ م.)

در اوخر قرون وسطی، ایتالیا در بافت منسوجات ابریشمی و پشمی پیشگام بود. در ابتدا مرکز اصلی در لوکا<sup>۲۰</sup> قرارداشت، ولی در اوخر قرن چهاردهم و ابتدای قرن پانزدهم میلادی فلورانس و جنوا جای آن را گرفتند (Mola, 2000, 3). لوکا از قرن دوازدهم و به واسطه تبدیل شهر به یک جمهوری خودمختار و بستن معاهده‌ای با جنوا در ۱۱۵۳ که اجازه می‌داد تا منسوجات آنها به فرانسه راهیابد و قرارداد مشابهی با ونیز که متضمن ورود مواد خام از مدیترانه بود به نقطه تجاری بدل گشتند. از این‌رو لوکا به واسطه قدرت جنوا و اقتدار آن در فراهم آوردن مواد خام از سوریه و دریای خزر و پس از ۱۳۳۰ م. فراهم آوردن ابریشم ارزان‌تر از خود چین، به مقدم‌ترین مرکز در اروپا بدل شد (Mack, 2002, 30).

اویل قرن چهاردهم میلادی، ایتالیایی‌ها تحت تأثیر منسوجات وارداتی از امپراطوری مغول، که در ارجاع به سرچشم‌های اولیه آنها [پارچه تاتار] نامیده می‌شدن؛ بودند (Schoeser, Macdonald, 2007, 42).

این برخورد با منسوجات شرقی را باید نقطه عطف مجددی در طراحی منسوجات اروپایی دانست. پارچه‌هایی که طراحی منسوجات ایتالیایی را دچار تحول نمودند، پارچه‌های تاتار وارداتی از آسیای مرکزی، ایران و سوریه در زمان صلح مغول بودند که در میان آنها غالب پارچه‌ها، هدایای سیاسی ایلخانان اسرانی هستند که در ابتدا بر نقاشان و سپس بر طراحان منسوجات ایتالیایی تأثیر بسیار زیادی نهاد. معرفی اصول اولیه عدم تقارن و پویایی، قاصد گستاخ از قرن‌ها و استگی به الگوهای دایره‌ای شکل هنر ساسانی بودند. پیش از این حیوانات در انتظامی متقارن و ایستاده نشستند و به صورت مورب سازماندهی می‌شدند؛ اما در برخورد با این نقش‌مایه‌های جدید و زیبا، بازدگان ایتالیایی به اقتباس از آنها روی آورده و شروع به تولید ابریشم‌هایی نمودند که در آنها نوعی همچوشی میان عناصر نقش مایه‌های اروپایی و نقش‌مایه‌های برگرفته از مدل‌های شرقی دیده می‌شد. حتی در طی قرن چهاردهم موتیف‌هایی از پرندگان سنتی، و حیوانات و بعضی از منسوجات آسیای مرکزی و مانند ملهم از فانتزی چینی موجود در منسوجات ایتالیایی و ایران وارد طراحی‌های اروپایی شد (Mack, 2002, 35).

در همین زمان برخی دیگر از موضوعات شرقی نیز وارد طراحی

## نتیجه

فضای منفی به اندازه فضای مثبت در طراحی منسوجات ایتالیایی نیز مانند منسوجات ایلخانی قابل مشاهده است. از نقوش ایران ایلخانی می‌توان به نقش اژدها، سیمرغ و گلهای نیلوفر و پرپرو ابرهای چینی اشاره کرد. مهم‌ترین اتفاقی که در زمینه طراحی منسوجات ایران ایلخانی می‌افتد و به تبع آن منسوجات ایتالیا و اروپا را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، طبیعت‌گرایی در طراحی نقوش و رهایی از ترکیب بندهای منظم و هندسی است. استفاده از نقوش ترنجی شکل نوکتیز را نیز باید رهاورد چین برای این دو هنر بر شمرد.

با توجه به پیش زمینه‌های بررسی شده در مناسبات سیاسی و تجاری میان ایران دوران ایلخانی و ایتالیایی همزمان آن و نیز بررسی و تحلیل نقوش منسوجات می‌توان گفت که منسوجات ایتالیای قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی کاملاً پیرو منسوجات ایرانی دوران ایلخانی بوده‌اند. این امر برای هنر نوپای ابریشم‌بافی ایتالیا نقطه اتكایی مبنی بر بافت منسوجات دارای درجه مقبولیت تجاری و تلاشی برای رقابت با منسوجات ایرانی محسوب می‌شده است. در رابطه با نقوش می‌توان اظهار داشت که اهمیت استفاده از

## پی‌نوشت‌ها:



۱. زیردستان خان بزرگ در چین.  
.Philippe Auguste ۲
- ۳ - منسوجات ارغوانی رنگ شده با قرمزدانه که بسیار گران‌بوده بود.  
.Tripoli ۴
۵. Aleppo ۶
- .Catalonia (Catalan) ۷
- .Venice (Venetian) ۸
- .Genoa(Genoese) ۹
- .Pisa ۱۰
- .Pope Nicholas IV ۱۱
- ۱۱ در حقیقت فرقه اسماعیلیه آغازگر ارتباط با اروپا بوده‌اند.  
۱۲ به معنای شریک در سهم یا سرمایه‌گذار.  
.Ilkhan Teguder Ahmad ۱۲
- .Ayas ۱۴
- .Trebizond ۱۵
- ۱۶ بنا به گفته مسعودی، در حاشیه منسوجات اولیه اسلامی از خط پهلوی استفاده می‌شده که شاید نشانگر قدمت بیشتر این نوع طرح باشد.  
.Feng Huang ۱۷
- .Roger II of Sicily ۱۸
- .Peloponnes ۱۹
- .Lucca ۲۰

## فهرست منابع:

- اتینکه‌وازن، ریچارد و الگ‌کابر (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.
- اکرم، فیلیس (۱۲۶۳)، نساجی سنتی در ایران، قسمت دوم، ترجمه فروهر نورماه و زیندخت صابری‌شیخ، انتشارات سازمان صنایع دستی ایران، تهران.
- الگروو مکداول، ج. و ردیلیو فریه (۱۲۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات فرزا، تهران.
- بلر، شیلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی (۲) ۰-۱۸۰۰-۱۲۵۰، ترجمه یعقوب آژند، سمت، تهران.

بولنوا، اویس (۱۳۸۳)، راهابریشم، ترجمه: ملک ناصر نوبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

بنی احمد، احمد (۱۳۴۶)، راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، تهران.

بیانی، شیرین (۱۳۷۹)، مغلان و حکومت ایلخانی در ایران، انتشارات سمت، تهران.

بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵)، منسوجات اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.

پتروسفسکی، ای پی و جی آ. بویل (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کیمپریج از آمدن سلاجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

پوب، آرتور اپهام (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز نائل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

پیگولوسیکا و دیگران (۱۳۵۴)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران.

دایمند، ام اس (۱۳۶۵)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

دونان و دیگران (۱۳۸۳)، تاریخ جهان لاروس، جلد اول، روزگار باستان و قرون وسطی، ترجمه: امیر جلال اعلم، انتشارات سروش، تهران.

روح فر، زهره (۱۳۸۰)، نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، انتشارات سمت، تهران.

روح فر، زهره (۱۳۸۴)، پارچه بافی دوران ایلخانی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز- زمستان ۱۳۸۴.

رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰)، ایران در راه عصر جدید: تاریخ ایران از ۱۲۵۰ تا ۱۷۵۰، ترجمه آذر آهنچی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.

سیمین، الینور و احسان یارشاطر (۱۳۸۲)، پوشکار ایران زمین، ترجمه پیمان متین، انتشارات امیرکبیر، تهران.

شراتو، امیروتو، گروبه، ارنست (۱۳۸۴)، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.

فریبد، فرینان و محمد رضا پور جعفر (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۱ پرديس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، صص ۷۶-۶۵.

کریستی ویلسن، ج (بی تا)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرهنگسرا، تهران.

کورز، احسان یارشاطر (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دوران ساسانیان، جلد سوم- قسمت اول و سوم، ترجمه انوشه، انتشارات امیرکبیر.

گیرشمن، رومان (۱۳۵۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فرهوشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

لکهارت، لارنس (۱۳۸۴)، تاریخ صنایع ایران دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات امیرکبیر، تهران.

محمد حسن، زکی (۱۳۶۳)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال، تهران.

هال، مری، (۱۳۸۰)، امپراتوری مغول، ترجمه نادر میرسعیدی، انتشارات ققنوس، تهران.

- Amitai-Preiss, Reuven(1995), *Mongols and Mamluks: The Mamluk-Ikhkhanid War, 1260-1281*, Cambridge University press, Cambridge.
- Bloom, Jonathan and Sheila Blair (1997), *Islamic Art*, Phaidon Press, London.
- Canby, Sheila R. (1999), *The Golden Age of Persian Art, 1501 - 1722*, British museum press, London.
- Dupont, M., Auberville (1987), *Classic Textile Designs*, Bracken Books, London.
- Fredric dale, Stephan (1994), *Indian merchant and Eurasian trade 1600-1750*, Cambridge university press, Cambridge.
- Griggs,C.Wilfred, Reuven Amitai-preiss, David Morgan(2000), *The Mongol empire and its legacy*, Brill, London .
- Harris, Jennifer (1993), *5000 years of textiles*, British museum press, London.
- Ingram, Edward (1984), *In Defense of British India: Great Britain in the Middle East*, Routledge, London.
- Komaroff, Linda , Stefano Carboni(1998), *The Legacy of Genghis Khan (Courtly Art and Culture in Western Asia)*, 1256- 1353, The Metropolitan Museum of Art , Yale University Press, New York, New Haven .
- Lambert, Tim (2002), *A brief history of Italy*, <http://www.localhistories.org>.
- Lamont Brown, Peter, peter Brown (1992), *power and persuasion in late antiquity: towards a Christian Empire*, University of Wisconsin press, Wisconsin.
- Mack, Rosamond E.(2002), *Bazaar to piazza*, University of California Press, Los Angeles.
- Mola, Luca(2000),*the silk industry of renaissance Venice*, JHU press, New York.
- Pope, Arthur Upham (1971), *A Survey of Persian Art*, Vol.XII, Oxford University Press, Oxford.
- Safra, Jacob.(2003), *Encyclopedie Britannica*, Encyclopedia Britannica inc. London .
- Schoeser,Mary, Julien Macdonald, , Bruno Marcandalli (2007), *Silk*, Yale University press, New Haven.